

از قهرمانان

جاویدان

والت دیسنی

۲

داستانهای مصور

زرورق

برای نوجوانان



یک روز خوب!

قیمت پنجاه ریال

این کتاب توسط اعضای فروم کودکان و نوجوانی
برای استفاده شما به رایگان تهیه و آماده شده
است. از پرداخت پول برای کتابهای این انجمن
به فروشندگان سودجو اکیداً خودداری نمایید.

داستانهای مصور زوررق

کتاب پنجشنبه شوم منتشر شده و کتابهای زیر نیز چاپ شده است که بزودی منتشر خواهد شد :

دونالد گلباز!

سوء تفاهم کوچک!

مسابقه بزرگ!

نوجوانان عزیز

کتابی که در دست دارید از سلسله حوادث قهرمانان جاویدان والت دیسنی است . این قهرمانها مورد علاقه صدها میلیون نوجوان در سراسر جهان هستند و کتابها و فیلمها و عروسکها و ماسکهای آنها همه سائمه مورد مطالعه و تماشا و استفاده نوجوانان جهان قرار میگیرند. این قهرمانان دارای اخلاق و صفات مختلفی هستند در میان آنها شجاع، نیرومند، باهوش، خوش قلب، ترسو، بدجنس، دروغگو، پول پرست و ... یافت میشود که هر کدام نماینده یک تیپ و طبقه اجتماع است که در قیافه و شکل موجودات مختلف دنیای ما را منعکس می کنند. در صفحه ماقبل آخر هر کتاب به معرفی یکی از قهرمانان مشهور والت دیسنی میپردازیم و شما بتدریج که این کتابها را میخوانید با اخلاق و روحیات همه آنها آشنا میشوید و در غم آنها شریک و باشادی آنها شاد خواهید شد. این کتابها که هر ماه دو جلد آن منتشر خواهد شد در عین جالب و سرگرم کننده بودن آموزنده و مفید هم هستند و شما با جمع آوری آنها دارای یک کلکسیون با ارزش و خواندنی خواهید شد.

اگر میخوانید این کتابها بطور مرتب و با مزایای بیشتری منتشر شود آنرا بدوستان و آشنایان خود معرفی کنید. با داشتن خوانندگان بیشتر خواهیم توانست صفحات کتاب را بیشتر و عکس آنرا جالب تر چاپ کنیم منتظر نظرات و پیشنهادات شما هستیم

انتشارات سپید

یک روز خوب!

اثر والت دیسنی

از انتشارات سپید

چاپ از کارگاه چاپ

شماره ثبت کتابخانه ملی ۲۳۴۸ تاریخ ۲۵۳۶/۱۲/۱۷

يك روز خوب!

چه روز خوبی! امروز جان میدهد برای ماهیگیری یا قایقرانی کردن یا رفتن به جنگل برای پیک نیک. اما هیچکدام اینها برای من ممکن نیست!

چرا عمود و نالد! چرا نمیتوانی
به آجاها بروی!

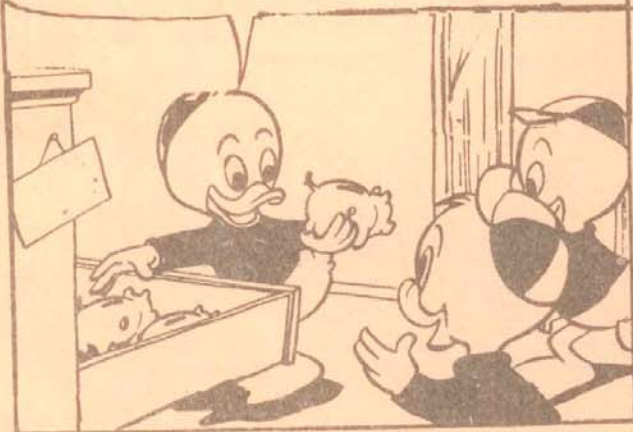


داستانهای مصور زوروق

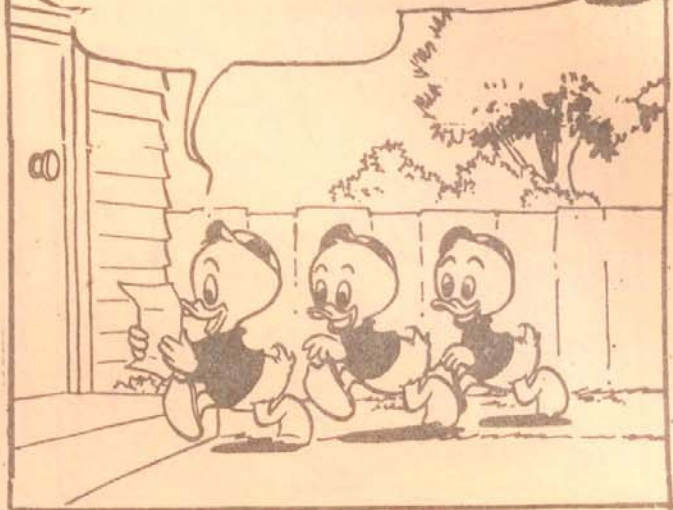


يك روز خوب!

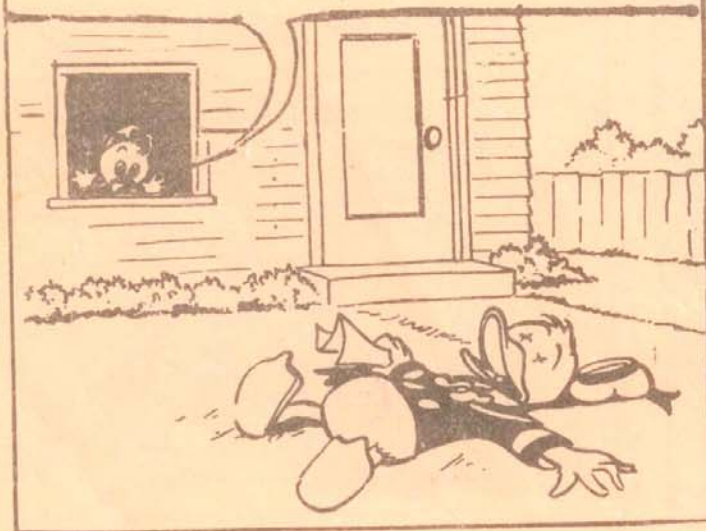
بعنوان همشهری‌های خوب ما باید به این کار خیر کمک کنیم؛ ولی ما که پول زیادی نداریم. فقط میتوانیم پول قلکمان را بدهیم



این انجمن خیریه سگ آبی‌های کوچک است که برای خرید مخارج لازم از ما تقاضای کمک مالی کرده است!



خدای من عمو دو فالد بیهوش شد!



بچه‌ها صبر کنید. تا وقتیکه عمو دو فالد در این دوروبرهاست سر و صدای پول را در نیاوریم!



داستانهای مصور زرورق



يك روز خوب!

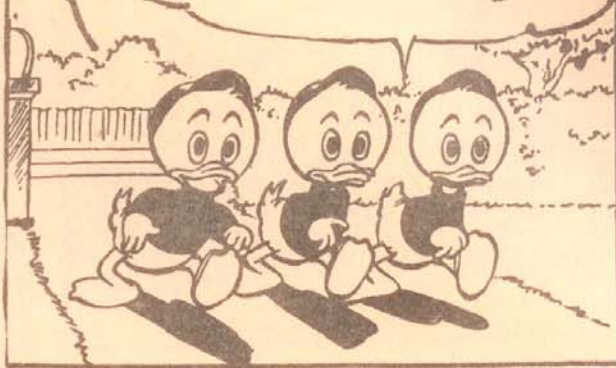
شما «دزی» را نمی‌شناسید او وقتی چیزی می‌خواهد خواهش نمی‌کند ببینید اینجایر نامه‌اش نوشته ا.ی.د.ن.ی.د.ا.

این حروف چه معنایی دارد؟



از اول این احساس بمن دست داده بود که نباید منتظر پستی باشیم!

با و بگو چون قبلا قول داده‌ای جای دیگری بروی نمیتوانی با او باشی!



شرکت در جشن این انجمن بیش از ده دلار خرج ندارد و من میدانم که این پول در قلم شما هست!



اینها حروف اول جمله د این يك دعوت نیست بلکه يك دستور است، می‌باشد!



داستانهای مصور زورق



يك روز خوب!

آه! من نمیدانستم برای رفتن به جشن
انجمن اینهمه اسباب لازم است
این کیف تو يك تن وزن دارد!

توی کیف فقط بعضی اشیاء ضروری
است که ممکن است در راه احتیاج
پیدا کنیم!



بچهها زود بیایید بنزین ماشین
را خالی کنیم!

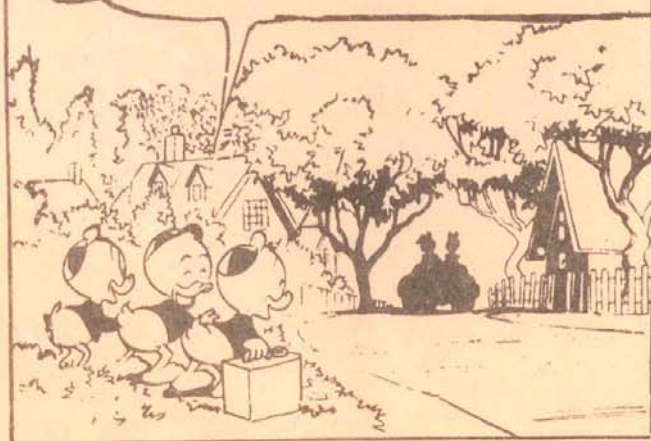


دو نالد چه شده؟

مثل آنکه بنزین
تمام شده!



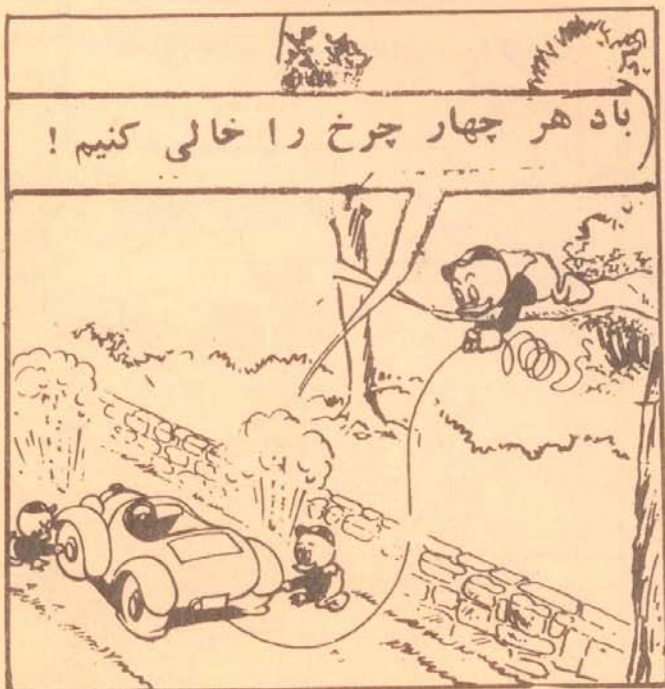
آنها حرکت کردند!
ولی بدون بنزین نمی
توانند خیلی دور بروند!



داستانهای مصور زورق



يك روز خوب!



داستانهای مصور زورق



يك روز خوب !

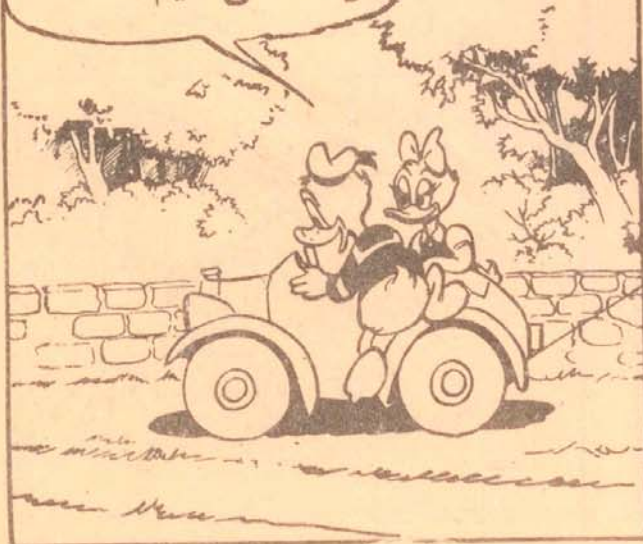
به كمك اين بطری هوای فشرده چرخ ها را میتوان در پانزده ثانیه باد کرد!



ولی من این حادثه را هم پیش بینی میکردم و چیزی را که برای آن لازم است با خودم آوردم!

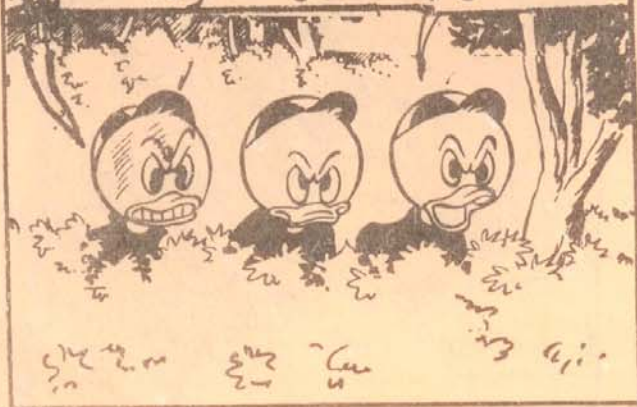


خوب! «دزی» حالا حرکت می‌کنیم!



من هرگز فکر نمی‌کردم در دنیا زنی باشد که اینطور همه چیز را پیش بینی کند!

بله! ولی او هرگز بر اقیانوس شماره ۳ ما راه حل پیدا نخواهد کرد!



داستانهای مصور زورق

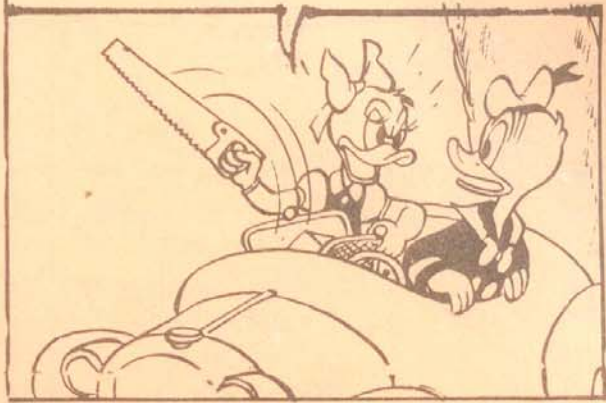


يك روز خوب!

«دزی» من اصلا علت این چیزها را نمی فهمم!



ولی اینکارها هیچ فایده ندارد
من این چیزها را هم پیش بینی
کرده بودم! بگیر شاخه را اره کن!
يك انبردست هم توی کیف من است
برداروسیم آهنی را قطع کن!



دیگر معطل نکن ما فقط ۲۰ دقیقه
وقت داریم. زود حرکت!

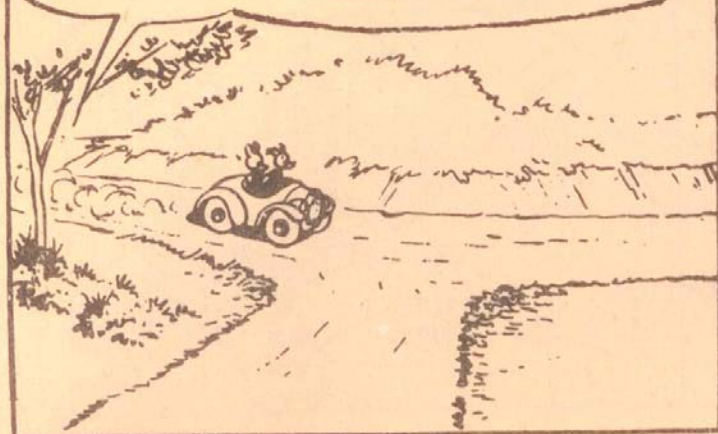


دنگ!..

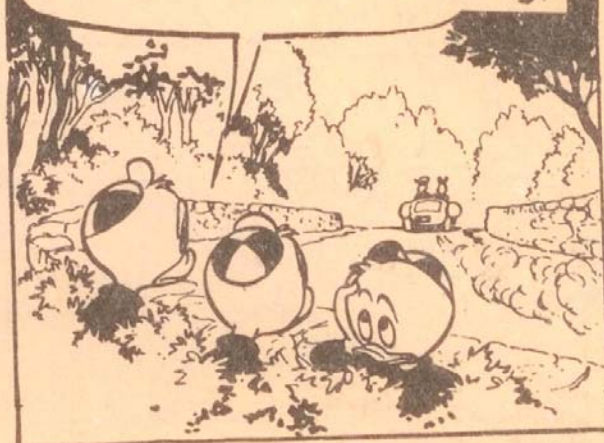


داستانهای مصور زورق

باز هم تندتر حرکت کن! خیال میکنم
دیگر به این نتیجه رسیده باشی که هیچ
چیز نمیتواند مانع شرکت من در جشن
شود!



ما هر چه که از دستمان برمی آمد
برای هدف مقدس ما انجام دادیم!

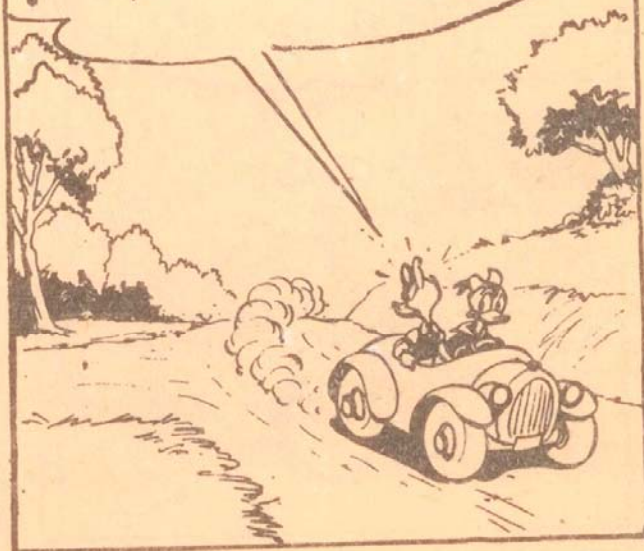


« دزی » سال قبل برای رفتن به
جشن سالیا نه باشگاه از این راه رفتیم!

نه! هرگز! ما از این طرف حرکت
کردیم!



بله! هیچ چیز! فقط مثل آنست که
ما را در اشتباهی آمده ایم!



يك روز خوب!



داستانهای مصور زوروق

یکساعت بعد!

ما باید تا حال رسیده باشیم!

من میروم به بینم روی
این تا بلوچی نوشته شده!

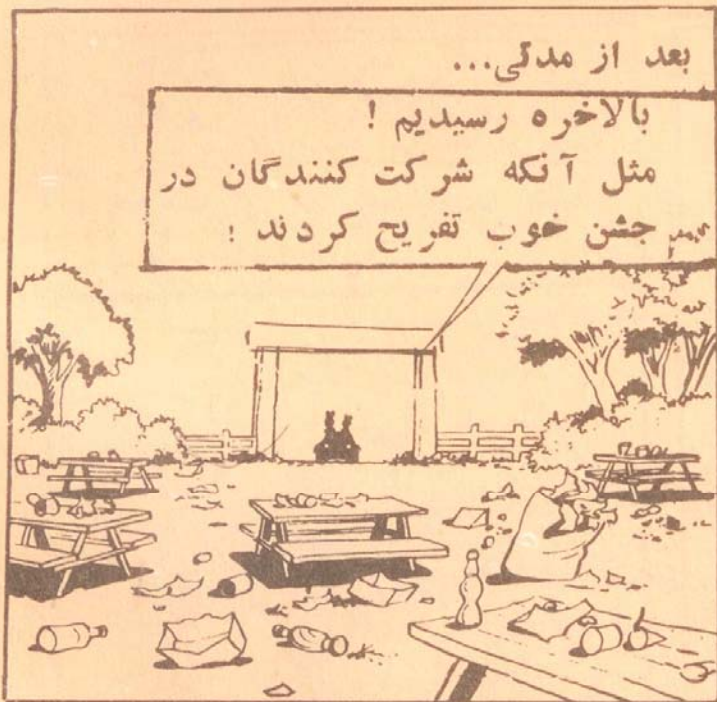


پایان جاده
ارتفاع ۳۲۵۰ متر



بعد از مدتی...

بالاخره رسیدیم!
مثل آنکه شرکت کنندگان در
هم جشن خوب تفریح کردند!



متأسفانه حق باتو بود! من نقشه
را وارونه گرفته بودم! جنگل
زیبا از آنطرف است!



يك روز خوب!



داستانهای مصور زورق

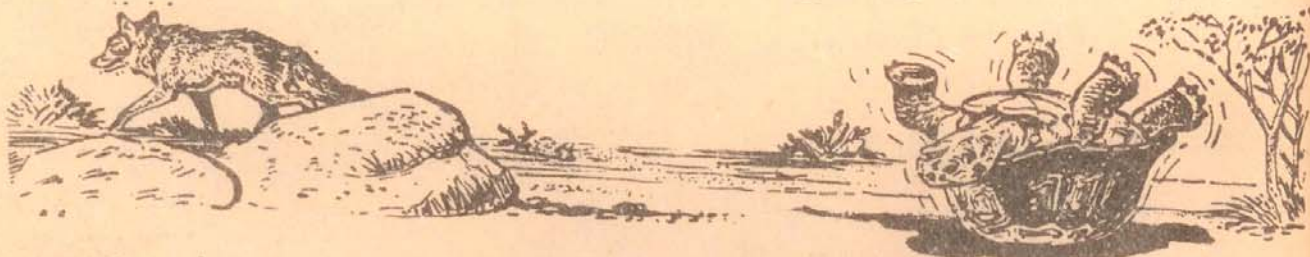


دانستنی‌های طبیعت !

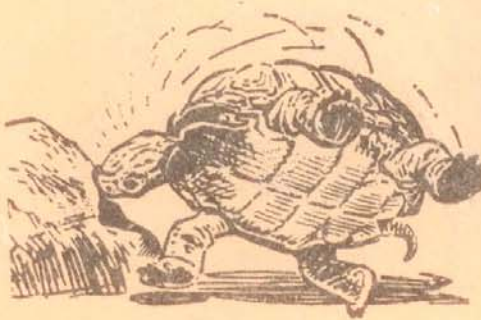
درس مشکل !



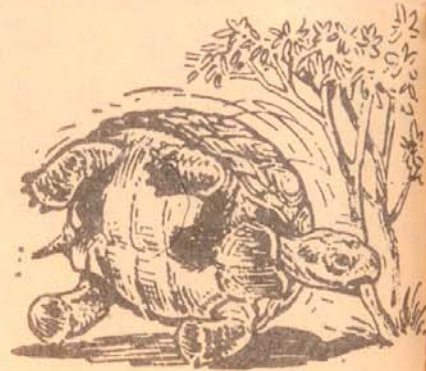
دندانهای کایوت نمی‌تواند به پوسته سخت سنگ پشت‌های صحرا فرو رود باین جهت حیوان گرسنه پس از مدتی ققلا ناچار از طعمه خود صرف‌نظر می‌کند.



اما کایوت برای انتقام گرفتن از سنگ پشت او را وارونه به جامی گذارد و اگر سنگ پشت مدتی طولانی به این وضع بماند از گرسنگی و تشنگی می‌میرد !



در این حالت حیوان بدبخت برای نجات خود باید سطح اتکائی پیدا کند یعنی ساقه درخت یا قطعه سنگی را گرفته بحالت عادی درآید !



دانستنی‌های طبیعت!

يك موجود خطر ناك!



بعضی اوقات گاوهای وحشی از گله خود جدا شده به تنهایی زندگی می‌کنند!

در این حالت این گاوها برای همه جانوران چندان خطر ناك می‌شوند!



منطقه‌ای از جنگل که این حیوانات مهاجم برای زندگی خود انتخاب می‌کنند به يك سرزمین ممنوع برای سایر حیوانات تبدیل شود بطوریکه اگر حتی شیر هم به آنجا بیایند گاو وحشی بسوی آنها حمله می‌کند!

دانستنی‌های طبیعت !

تولد دستجمعی !



آنچه که در عکس می‌بینید منظره‌ای از یک آتش بازی نیست ذرات بیشماری که این صدفها پرتاب میکنند نوزادان صدف هستند که میلیاردها متولد میشوند ولی اکثر آنان یا طعمه حیوانات دریا میشوند یا در شرایط دیگر نابود میگردند بطوریکه از هر ۱۴۵/۰۰۰ نوزاد صدف فقط یکی به سن دو سالگی میرسد .



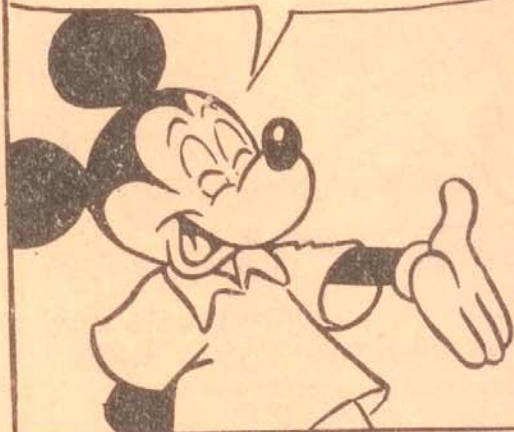
بازی آموزنده!

میکی! تا وقتیکه من برای خریدم بروم
دیتوانی این بچه‌ها را نگهداری؟ من توی
این شلوغی جرأت نمی‌کنم آنها را با
خودم ببرم!

مینی! خاطرت جمع باشد
من از برادرهایت بخوبی
نگهداری میکنم!

بازی آموزنده!

منهم که سن اینها بودم دوست داشتم
تفنگ بدست بگیرم و بازی دزد و
پلیس بکنم!



تا وقتی آنها را بائی حبس کنم!
بها شیطانی میکنند ناچارم



مینی... سینه پسر بچه ها
همینطور هستند!

ببینید بچه بازی سرخپوستی خشن
است خوبست شما يك بازی آرام بکنید!



هر جور که تو بخواهی!

اما من دوست دارم این بچه سرگرم
بازیهای آموزنده و آرام شوند!



فراحت نباش خودم
میدانم چطور سرگرمشان
کنم!

داستانهای مصور زورق

چند دقیقه بعد ...
این بازی که عمومیکی بما میگوید یک
بازی دخترانه است!

اولین چیزی که باید به
آنها فهماند اینست که
روحیه ورزشکاری داشته
باشند!

منهم همین عقیده را دارم!

زه! نه تو اگر حقه نمیزی
نمی بردی!

تو یک کیلو متر
آنطرفتر زدی!

آه! آه!

وقتیکه این موضوع را فهمیدند
میتوان اجازه داد که بیازیهای
هیجان انگیزتر مشغول شوند!

بازی آموزنده!



داستانهای مصور زورق

به يك مسافرت فكر كنيد!
 خيال كنيد ميخواهيد به
 كشور ديگري سفر كنيد!



بله ! ايندفعه يك بازی علمی
 كه به جغرافيا مربوط ميشود
 مي كنيم !



زنده باد!
 عموميكی! آنرا
 بما ياد بده!

آمدیم بالا! همین؟ خوب
 بعدش چی؟

باز هم بقيه دارد!
 حالا يك ماجرای
 ديگر را شروع می كنيم!



اين پارچه را روی نردبام می
 گذاريم و فکرمی كنيم نوك آن
 قله اورست است!

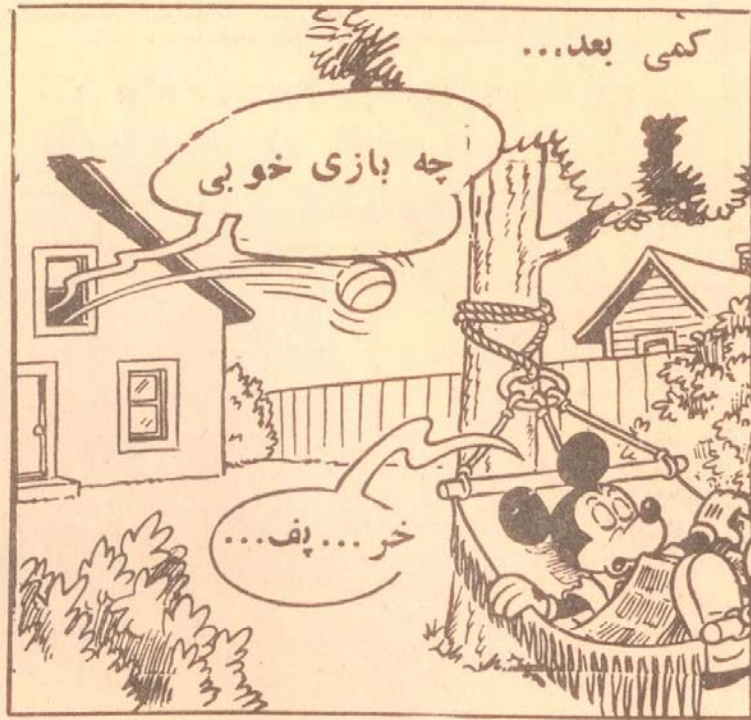
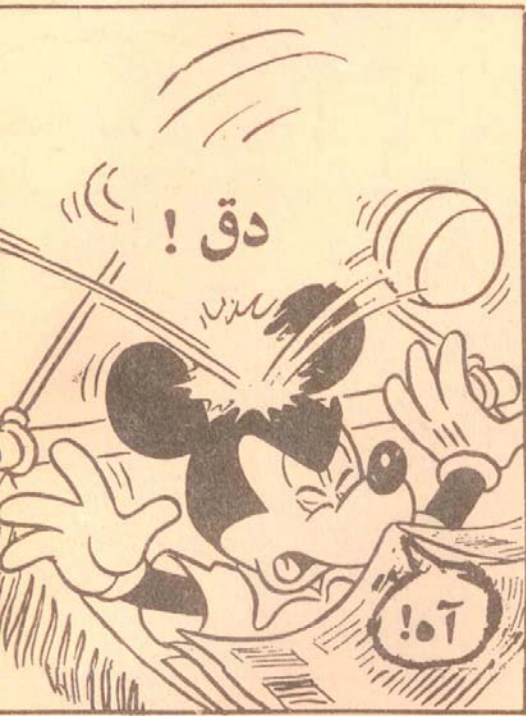


عالی است!
 برويم بالای قله !

بازی آموزنده!



داستانهای مصور زوروق



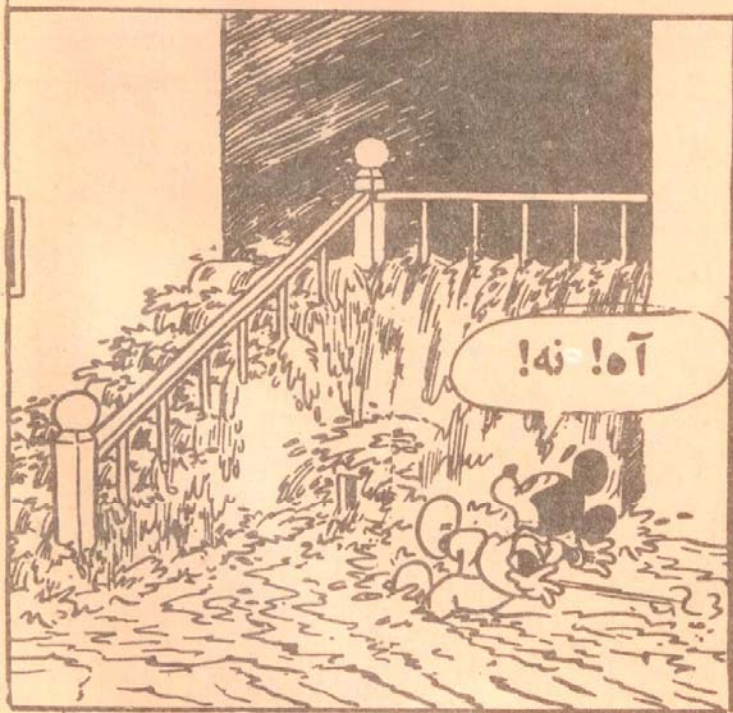
بازی آموزنده!



داستانهای مصور زورق

چرا توی بشکه رفته اید؟ اینکار چه معنی دارد؟

درق!..



آبشار نیاگارا
آه خدای من!



ما از آبشار
نیاگارا
پائین آمدیم!



بازی آموزنده!



داستانهای مصور زرورق



داستانهای مصور «میکی» و «دونالد» و سایر قهرمانان مشهور و دوست داشتنی این گروه که اثر جاویدان والت - دیسنی هستند در میان نوجوانان جهان میلیونها طرفدار و علاقمند دارد.

ما تمام این داستانهای جالب را برای نوجوانان ایرانی ترجمه کرده‌ایم که به ترتیب چاپ و منتشر خواهیم کرد. در انتظار شماره‌های آینده کتابهای مصور زرورق باشید



شناسنامه

دونالد

خوش قلب ترین، پرچانه ترین، بدشانس ترین، عصبانیترین، خوش بین ترین قهرمان و آل دیسنی دونالد است. او در سال ۱۹۳۳ در آمریکا با نام دونالد داک متولد شد و بزودی قهرمان داستانهای مصور فراوانی گردید. دونالد در ۱۲۶ داستان مصور نقش قهرمان اول را داشته است در حالیکه میکی قهرمان ۱۲۱ داستان مصور بوده است.

دونالد که برادرزاده عمو اسکروج است همانقدر که باعث تفریح و شادی خوانندگان داستانهایش میشود عموی پولدارش را ناراحت میکند میخواهید بدانید چرا؟ داستانهای او را در کتابهای مصور زرورق بخوانید.

حق طبع و اقتباس محفوظ است

به بینم دو نالد نمیخواهی مرا
با خودت سینما ببری



چی؟ با این گردن دراز میخواهی
سینما بروی

زود از اینجا برو من
میخواهم کتاب بخوانم!



حالا که اینطور شد من
هرگز میل ندارم گرا
به بینم!

خدای من این صدای
نامزدم دزی بود!



آه! این شتر مرغ لعنتی گوشی
تلفن را بلعیده! دزی! دزی
عزیز! اشتباه کردم! بیا...



افتشارات سپید

ایران شهر شمالی - خیابان آذرشهر - نبش فریدونشهر

شماره ۲۳ تلفن ۸۲۶۶۲۶